

جرقه ای برانبارباروت



حسن حیدری شاعر معترض، فعال سیاسی- فرهنگی عرب اهل شهرستان اهواز، روزیکشنیه ۱۹ آبان ۹۸ در بیمارستان شفا در اهواز درگذشت. این شاعر جوان که عمدتاً به زبان عربی اشعار انتقادی می سرود و بارها مورد بازخواست و بازجویی قرار گرفته بود، روز بیست مرداد ۹۷ توسط مأموران وزارت اطلاعات در اهواز بازداشت و در ۲۶ شهریور همان سال با سپردن وثیقه ۵۰۰ میلیون تومانی از زندان شیبان اهواز آزاد شد. بسیاری از شهروندان خوزستانی مرگ این شاعر جوان را که فقط ۲۹ سال سن داشت

در صفحه ۳

تظاهرات سراسری پاسخی قهرمانانه و کوبنده به باجگیری رژیم



موج تظاهرات سراسر ایران را فراگرفته است. توده‌های ستمدیده مردم ایران تقریباً در تمام شهرهای کشور از آذربایجان تا کردستان، از خوزستان و شیراز تا گیلان و مازندران، از تهران تا اصفهان و یزد از بلوچستان تا خراسان، به تظاهرات خیابانی روی آورده‌اند.

رژیم سرکوب و کشتار، گله‌های نیروی سرکوب را به مقابله با مردم گسیل کرده است. مزدوران مسلح رژیم، مردم بی‌دفاع را مورد ضرب و شتم قرار دادند. گاز اشک‌آور شلیک کردند، ماشین‌های آب‌پاش را به کار گرفتند و در برخی شهرها با گلوله‌های جنگی به سوی مردم آتش

در صفحه ۲

جمهوری اسلامی، غوطه ور در گرداب دزدی و فساد

دزدی، اختلاس، رانت خواری و گسترش بی حد و حصر فسادهای دولتی و حکومتی، تنها مختص به جمهوری اسلامی نیست. در جهان سرمایه داری، اغلب دولت‌ها کم و بیش به دزدی و فساد آلوده هستند. این پدیده اما، در تمامی نظام‌های استبدادی و خودکامه که فاقد هر گونه نهادهای دمکراتیک و کنترل‌کننده هستند، به امری غیر

در صفحه ۷

اعتراف روحانی به افلاس و ورشکستگی جمهوری اسلامی

حسن روحانی رئیس جمهوری اسلامی سه‌شنبه ۲۱ آبان در جلسه شورای اداری استان کرمان، با بیان ناتوانی جمهوری اسلامی در فروش نفت، گفت: " دولت با این پولی که دارد می‌تواند چه کار کند؟ حقوق‌ها را بدهد و یا به اقتدار نیازمند برسد و یا اینکه دارو و کالای اساسی وارد کند؟ این‌که می‌گویند دولت این کار را بکند و یا چرا

در صفحه ۶

با سازماندهی اعتصاب عمومی به یاری جوانان و توده‌های قیام‌کننده برخیزیم

در صفحه ۱۰

گرانی بنزین را به آتشی بر خرمن جمهوری اسلامی تبدیل کنیم

در صفحه ۵

اطلاعیه مشترک

در پشتیبانی از اعتراضات مردم به افزایش قیمت بنزین

در صفحه ۸

اطلاعیه مشترک

درباره دستگیری حمید نوری در سوئد و اهمیت آن برای جنبش دادخواهی

در صفحه ۹

بازداشت یکی از عوامل کشتار سال ۶۷ در سوئد

در صفحه ۱۲

خلاصه اطلاعیه کمیته خارج کشور سازمان فدائیان (اقلیت)

در صفحه ۱۱

تظاهرات سرا سری پاسخی قهرمانانه و کوبنده به باج‌گیری



به ترتیب برای خوراکی‌ها ۵۹.۷ درصد، نان و غلات ۲۸.۹ درصد، گوشت قرمز و سفید و فرآورده‌های آن‌ها ۷۷ درصد، گوشت قرمز و گوشت ماکیان ۷۶.۴ درصد، ماهی‌ها و صدف داران ۸۱.۳ درصد، شیر، پنیر و تخم‌مرغ ۴۵.۲ درصد، روغن‌ها و چربی‌ها ۴۵.۶ درصد، میوه و خشکبار ۸۲.۵ درصد، سبزیجات ۷۵.۷ درصد، شکر، مربا، عسل، شکلات و شیرینی ۴۸.۹ درصد، چای، قهوه، کاکائو، نوشابه و آب‌میوه ۵۸.۱ درصد و محصولات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر ۹۷ درصد رشد را شاهد بودیم.

مرکز آمار ایران درحالی به‌دروغ نرخ تورم سالانه برای خانوارهای کشور را ۴۲ درصد اعلام کرده است که این نرخ تورم از ۶۰ درصد نیز فراتر است. آنچه بیش از هر چیز مدام افزایش‌یافته، کالاها و خدمات موردنیاز روزمره کارگران و زحمتکشان بوده است.

جمهوری اسلامی که در نتیجه دزدی و غارت ثروت‌های کشور توسط مقامات دولتی و سرمایه‌داران، هزینه‌های هنگفت نیروهای مسلح و دستگاه‌های جاسوسی و امنیتی، هزینه‌های دستگاه‌های انگل و مفت خور مذهبی، هزینه‌های کلان توسعه‌طلبی پان‌اسلامیستی و کمک به گروه‌های اسلام‌گرای شیعه در منطقه، با ورشکستگی مالی رو به رو شده است، تلاش می‌کند با افزایش بهای بنزین و یکرشته کالاها، دیگر، بار این ورشکستگی را بازم بر دوش توده‌های کارگر و زحمتکش قرار دهد و کمبود هزینه‌های خود را از این طریق، جبران کند. حسن روحانی چند روز پیش در کرمان اعلام کرده بود، بودجه سال آینده دستگاه دولتی با یک کسری ۳۰۰ هزار میلیارد تومانی مواجه است. بنابراین، افزایش بهای بنزین رقمی معادل ۶۰ تا ۷۰ هزار میلیارد تومان عاید دولت می‌کند تا بخشی از هزینه‌های دستگاه انگل دولت دینی را تأمین کند. اما فقط از این طریق نیست که رژیم دزد و غارتگر، جیب‌بری می‌کند و جیب مردم را خالی می‌کند. بلکه افزایش بهای بنزین می‌تواند نرخ تورم کنونی را به چند برابر افزایش دهد. از همین روست که عموم توده‌های مردم در سراسر ایران به خیابان‌ها ریخته و مصمصانه به نبرد خود ادامه می‌دهند. این مبارزه‌ای است که تا به امروز با موفقیت ادامه یافته است.

اما چشم‌انداز تداوم این مبارزه میان توده‌های وسیع مردم ایران با رژیم ارتجاعی ستمگر حاکم چیست؟ همان‌گونه که اشاره شد، نفع مشترک اکثریت بزرگ مردم ایران بر سر این مسئله، آن نیروی محرکه‌ای است که می‌تواند تضمینی بر ادامه موفقیت‌آمیز آن باشد. اگر این جنبش بتواند در چند روز آینده ادامه یابد، بی‌تردید ابتکار عمل به‌کلی از دست ارتجاع حاکم خارج خواهد شد. چراکه شرایط جامعه ایران به‌گونه‌ای است که با ادامه این مبارزه، توده‌های وسیع‌تری به میدان خواهند آمد و اشکال مبارزه و سازمان‌یابی در میان توده‌های مردم رشد می‌کند و ارتقاء خواهد یافت. جامعه ایران از مدت‌ها پیش وارد یک دوران پرتلاطم سیاسی، یک دوران انقلابی، شده است. توده‌های مردمی که سال‌های متمادی، فشارهای اقتصادی و سیاسی طبقه حاکم را تحمل کرده‌اند، دیگر نمی‌خواهند وضع موجود ادامه

قهرمانانه در مقابل تمام سرکوبگری‌های رژیم، مقاومت کرده‌اند. مردم مبارز در پاسخ به اوباشان سرکوبگر در خیابان‌ها سنگربندی کردند و در جریان درگیری‌ها، تعدادی از مراکز سرکوب و ستم، مراکز بسیج، و تربیت‌آخوند، بانک‌ها، ماشین‌های پلیس مزدور و پمپ‌های بنزین به آتش کشیده شدند. خشم مردمی که از ستم‌های بیکران جمهوری اسلامی جانشان به لب رسیده است، از مدت‌ها پیش، همچون یک انبار باروت آماده انفجار بود. همین‌که خبر افزایش بهای بنزین انتشار یافت، جرقه‌ای شد که به انفجار این خشم انجامید.

جمهوری اسلامی همانند دزدی که در نیمه‌های شب هنگامی که مردم در خوابند، خانه آن‌ها را خالی می‌کند، در ۲۴ پنجشنبه‌شب، درحالی که مردم ایران در خواب به سر می‌برند، با اعلام ناگهانی افزایش بهای بنزین، یکبار دیگر برای خالی کردن ته‌مانده جیب مردمی که زیرخط فقر به سر می‌برند، اقدام کرد. در عین حال برای آن‌که هرگونه فرصت واکنش از مردم را سلب کند، روز جمعه را که همه‌جا تعطیل و مردم در محل کار و زندگی تجمعی نداشته باشند، لحظه مناسب برای اعلام خبر افزایش بهای بنزین انتخاب کرد. اما تصور نمی‌کرد که از همان لحظه اعلام خبر گرانی بنزین، اعتراض و تظاهرات و به آتش کشیدن پمپ‌های بنزین آغاز شود. تحمل این زورگویی و باج‌خواهی دولت برای مردم ایران که بیش از ۸۰ درصد آنها زیرخط فقر زندگی می‌کنند، ناممکن بود.

بهای بنزین آزاد سه برابر شده بود و بهای بنزین سهمیه‌ای به ۱۵۰۰ تومان افزایش‌یافته بود. این افزایش سه برابری بهای بنزین، در شرایطی که گرانی روزافزون کالاها و خدمات و افزایش پی‌درپی نرخ تورم، زندگی اکثریت بسیار بزرگ مردم ایران را تباه کرده است، تحمل‌ناپذیر بود. گزارش مرکز آمار از تورم، تا شهریور ۹۸ نشان می‌دهد، که حتی بر طبق آمار قلابی منابع رسمی، در طول یک سال، نرخ گروه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها، نسبت به سال قبل در همین ماه، رشدی ۷۱.۹ درصدی یافته است. "به‌گونه‌ای که

گشودند، تا مردمی را که به مبارزه علنی برخاسته‌اند، مرعوب سازند. مزدوران رژیم در جریان این وحشی‌گری، در برخی شهرها حتی ماشین‌هایی را که مردم در اعتراض به گرانی بنزین وسط خیابان‌ها پارک کرده بودند، تخریب کردند. تاکنون متجاوز از دهها تن با گلوله‌های مزدوران در سیرجان، بهبهان، مریوان، جوانرود، سنندج، شیراز، کرج، جان‌باخته و دهها تن زخمی و به بیمارستان‌ها گسیل‌شده‌اند. مقامات رژیم یکی پس از دیگری به تهدید مردم متوسل شده‌اند. جلسه اضطراری شورای عالی هماهنگی سران و مقامات رژیم برگزار شد و از همه دستگاه‌ها و نهادهای کشور خواست مقاومت مردم را در هم شکنند و برای اجرای موفق افزایش بهای بنزین، همکاری کنند.

معاون رئیس قوه قضائیه و دادستان کل کشور در این جلسه تأکید کرد که قوه قضائیه برای اجرای این طرح به‌طور کامل همکاری خواهد کرد. محمدجعفر منتظری، دادستان کل جمهوری اسلامی، معترضان به افزایش قیمت بنزین را «اخلالگر» خواند و تهدید کرد که با آن‌ها «برخورد جدی» خواهد شد.

وی اراجیف همیشگی سران رژیم را تکرار کرد و مبارزات مردم ایران را به «خارج از کشور» منسوب کرد.

حسام‌الدین آشنا، معاون پیشین وزارت اطلاعات و مشاور کنونی روحانی نوشت: «فرصت‌طلبان داخلی و خارجی اشتباه راهبردی دیگری مرتکب شدند. ایران نه عراق است و نه لبنان. سفارت آمریکا هم سال‌هاست که بسته است. ما ایرانیان اجازه نخواهیم داد رسانه‌های مزدور برای ما تعیین تکلیف کنند. شب دراز است و فلندر بیدار».

خامنه‌ای، سردهسته دزدان و اوباشان حاکم بر ایران، توده‌های ستمدیده مردم ایران را که به تظاهرات روی آورده‌اند، "اشرار" نامید و از "مسئولین حفظ امنیت کشور" خواست "به وظایفشان عمل کنند"

اما مردمی که از نخستین ساعت‌های روز جمعه به مبارزه‌های علنی و مستقیم با رژیم حاکم برخاسته‌اند، وقعی به این اراجیف نگذاشتند و

جرقه ای برانبارباروت

مشکوک خوانده و بلافاصله بعد از اعلام خبر مرگ وی دست به اعتراض خیابانی زدند. در اهواز، کوه عبدالله، شادگان و برخی دیگر از شهرهای خوزستان هزاران تن از مردم به جان آمده، راهی خیابان شدند و با آتش زدن لاستیک و ایجاد راه بندان و حتی سنگر بندی خیابانی، علیه رژیمی که در ربودن و کشتن بی سروصدای شاعران و نویسندگان و مرگ های صحنه سازی شده سابقه طولانی داشته است، به طور گسترده دست به اعتراض زدند. در برخی از این تجمعات و اعتراضات خیابانی که سه شبانه روز ادامه داشت، مردم شعارهایی علیه رژیم سردانند. جنازه حسن حیدری شاعر جوان عرب روز ۲۰ آبان در محاصره نیروهای سرکوب به خاک سپرده شد. خاک سپاری عجلانه و بدون کالبد شکافی و کشف علل مرگ شاعر، شک و ظن مردم خوزستان را تشدید و تقویت کرد. بیست آبان، دومین روز اعتراض خیابانی، مردم اهواز پرچم جمهوری اسلامی را پایین کشیدند. اعتراضات خیابانی در برخی از شهرها از جمله شهرستان شادگان با طرح خواست های مشخص و اعتراض نسبت به کمبود خدمات شهری مانند آب آشامیدنی در هم آمیخت. نیروهای سرکوب با هجوم وحشیانه به صفوف اعتراض کنندگان و نیز در مراسم خاک سپاری، ده ها تن را بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل کردند.

این نخستین بار نیست که مردم اهواز و دیگر شهرهای خوزستان بطور گسترده



دست به اعتراض و راهپیمایی و سنگر بندی خیابانی می زنند و رژیم حاکم نیز با سرکوب و سرنیزه و بازداشت های گسترده به آن پاسخ می دهد. اعتراضات مکرر مردم خوزستان هر بار با خشونت پاسخ داده شده است. ارتجاع حاکم حتی به روی اعتراض کنندگان آتش گشوده و خون آن ها را بر زمین ریخته است. تا کنون صدها تن از فعالان



به طور جدی به خطر افکنده است. صرف نظر از این که استان خوزستان در زمینه احداث جاده و از لحاظ خدمات و حمل و نقل شهری و عمرانی نیز از کمبود های بزرگی در رنج است.

افزون بر این ها معضل بزرگ بیکاری و نرخ بالای آن در میان جوانان است. نرخ بیکاری در استان خوزستان از نرخ متوسط کشوری بالاتر است. امید حاجتی رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی خوزستان می گوید "رتبه بیکاری استان خوزستان در بین استان های کشور از رتبه ۱۹ به رتبه ۲ رسیده است". وی می گوید "خوزستان در سال ۹۶ رتبه سوم بیکاری در کشور را داشت در سال ۹۷ رتبه دوم شد و اگر به همین منوال بگذرد رتبه اول را کسب می کند". وی همچنین اعتراف کرد که شمار خودکشی ها در شهرهایی که آمار بیکاری بالاتر است، بیشتر است و اضافه نمود در حال حاضر نیز صدها هزار نفر در خوزستان بیکارند که هیچگونه ممر درآمدی ندارند.

اوضاع اقتصادی و معیشتی مردم خوزستان بدان حد وخیم و فشار سیاسی به حدی زیاد است که مردم این استان در فقر و محرومیت کشنده ای دست و پا می زنند. فقر و فلاکت و بیکاری چنان عمیق و گسترده است که در سال های اخیر بسیاری از مردم خوزستان زرخیز آرمیده بر نخاخر و ثروت های هنگفت نفت و گاز، مجبور به مهاجرت شده اند. اعمال سیاست های سرکوب گرانه و تبعیض آمیز رژیم جمهوری اسلامی، کمبود ها و نارسائی های فاحش و متعدد، نارضایتی مردم خشمگین شهرهای خوزستان را بیش از پیش افزایش داده است. انباشت و افزایش مداوم نارضایتی ها و تراکم فزاینده این خشم و نارضایتی چون انبار باروتی می توانست با هر جرقه ای به

سیاسی عرب بازداشت و زندانی و بسیاری از آن ها به جوخه مرگ سپرده شده اند. کوه عبدالله، شادگان، اهواز و سایر شهرهای خوزستان، تا کنون بارها و بارها به تجمع و راه پیمایی دست زده و نسبت به وضعیت فلاکت باری که جمهوری اسلامی بر مردم این استان تحمیل نموده، اعتراض کرده اند. اما تبعیض ها، اجحاف ها و فشارهای گوناگون علیه مردم عرب بیش از پیش تشدید و حقوق سیاسی و فردی آحاد مردم خوزستان به شکل سیستماتیک و گسترده و خشنی نقض شده است.

مردم کوه عبدالله مانند بسیاری از مناطق عرب نشین خوزستان از امکانات ابتدائی، خدمات اجتماعی و بهداشتی و حتی از آب آشامیدنی سالم محروم هستند و در فقر و فلاکت زندگی می کنند. اکثر جوانان بیکارند و از فقر و بیکاری و تبعیض به ستوه آمده اند. در بسیاری از شهرها و روستاهای خوزستانی که روی دریائی از ثروت خوابیده است، هنوز آب شرب سالم و لوله کشی وجود ندارد. آن جا که آب لوله کشی هست، آب شور، تیره و کیفیت آن بسیار پایین است. وضعیت آب آشامیدنی در خوزستان تا بدان درجه بد و بحرانی است که مدیرکل مدیریت بحران استان خوزستان گفت "در حال حاضر آب شرب استان در وضعیت هشدار قرار دارد" آب شرب استان حتی به اعتراف مقامات حکومتی سلامتی مردم را به خطر انداخته است.

وضعیت برق و بر خورداری مردم از وسایل خنک کننده، از آب هم بدتر است. مردم خوزستان که در فصل تابستان در گرمای طاقت فرسا بایستی کار و زندگی کنند، با نبود برق یا قطع مکرر آن روبرو هستند. به این ها باید ریزگردها، گرد و خاک، آلودگی هوا، آب و محیط زیست را نیز اضافه کرد که سلامتی مردم استان خوزستان را

جرقه ای برانبارباروت



انفجار کشیده شود. مرگ شاعر جوان عرب، فقط یک جرقه بود و اگر آن نبود، بی تردید جرقه ای دیگر از جای دیگر برای منفجر شدن این انبار باروت پیدا می شد و مبارزات مردم خوزستان برای یک یا چند خواست معیشتی و رفاهی، به یک مبارزه سیاسی تمام عیار علیه تمام نظم موجود تبدیل می شد.

اعتراضات و سنگر بندی های خیابانی مردم اهواز و سایر شهرهای خوزستان در اعتراض به مرگ مشکوک حسن حیدری شاعر جوان عرب و در اعتراض به کمبود های متعدد زیستی و معیشتی اما هنوز به پایان نرسیده بود که دولت با اعلام خبر سه برابر شدن قیمت بنزین، برانبار باروت ناراضی توده ای در مقیاس سراسری کبریت کشید. با اعلام این خبر، مردم خوزستان و مقدم بر همه مردم اهواز که هنوز خیابان هارا بطور کامل ترک نکرده بودند واکنش اعتراضی نشان دادند و از همان لحظات اولیه اعلام خبر و دقیق نخستین شروع روز جمعه ۲۴ آبان، تجمعات اعتراضی خود را این بار در مخالفت با گرانی بنزین آغاز کردند. این اعتراضات به سرعت به سایر شهرهای استان از جمله امیدیه، بهبهان و ماهشهر و در مرحله بعدی خرم شهر، آبادان و دیگر شهرهای خوزستان و سایر شهر ها و استان های کشور تسری یافت. تا این لحظه (یکشنبه ۲۶ آبان ۹۸) مردم مبارز و زحمتکش در بیش از ۵۰ شهر در اعتراض به سیاست دولت در زمینه افزایش سه برابری قیمت بنزین، وارد خیابان شده و دست به اعتراض زده اند. نیروهای سرکوبگر رژیم همه جا سعی کرده اند رعب و هراس ایجاد کنند و با توسل به قهر و خشونت، اعتراض کنندگان را عقب برانند. در برخی از شهرها علاوه بر شلیک گاز اشک آور، به روی

مردم تیراندازی کرده اند. بر اثر این تیراندازی ها تا کنون دهها تن کشته شده اند. در سیرجان یکی از اعتراض کنندگان با گلوله های مزدوران کشته شده است. بنا به خبر های انتشار یافته در شبکه های مجازی، تا کنون ۴ نفر در بهبهان، ۳ نفر در مریوان، ۲ نفر در جوانرود، یک نفر در شیراز، یک نفر در گلشهر کرج و یک نفر در خرم شهر در اثر تیراندازی مزدوران مسلح و سرکوبگر رژیم کشته، تعداد زیادی مجروح و بیش از هزار تن بازداشت شده اند. آمار کشته شدگان و زخمی ها و بازداشتی ها در حال افزایش است.

بهرغم این سرکوب ها، اعتراضات توده ای ادامه دارد. چندین بانک و پمپ بنزین، چند خودرو، یک اتوبوس نیروی انتظامی، یک پایگاه بسیج، یک فرمانداری و کلانتری نیز به آتش کشیده شده اند. در تبریز نیروهای سرکوب بامردم درگیر شدند. در اهواز مردم مبارز، نیروهای سرکوب را عقب راندند. مرگ بردیکتاتور، مرگ برخامنه ای، مرگ بروحانی، دیکتاتور حیا کن مملکت را رها کن، روحانی حیا کن مملکت را رها کن، می کشم می کشم آن که برادرم کشت، نترسید نترسید ماهمه با هم هستیم و ذلت نمی پذیریم حق مونو می گیریم، از جمله شعار های مردم ناراضی و اعتراض کننده بوده است.

گره خوردن تجمعات و تظاهرات توده های زحمتکش مردم خوزستان در اعتراض به مرگ مشکوک حسن حیدری شاعر جوان عرب، با اعتراضات سراسری که اعلام خبر افزایش قیمت بنزین آن را شعله و رساخت، یک بار دیگر نشان داد که سیاست های ضد مردمی دولت ارتجاعی جمهوری اسلامی، هیچ بخشی از مردم زحمتکش را بی نصیب نگذاشته است. تمام آن چه در یک هفته اخیر رخ داد و هنوز ادامه دارد، بوضوح نشان داد که تمام ملیت های ساکن ایران و عموم کارگران، زحمتکش، جوانان، زنان، بیکاران و آحاد تهری دستان فقر زده ای که برای ورود متشکل تر و گسترده تر به عرصه مبارزه سیاسی و رودروئی با کل نظم موجود لحظه شماری می کنند، دشمن واحدی دارند.

سازمان فدائیان (اقلیت) اقدامات سرکوبگرانه رژیم علیه اعتراض کنندگان را قویاً محکوم می کند و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط همه بازداشت شدگان است.

گره خوردن مبارزات مردم خوزستان با مردم سراسر کشور نه فقط این واقعیت را



نشان داد که همه کارگران و زحمتکشان و ملیت های تحت ستم ایران دشمن واحدی دارند، بلکه در عین حال این واقعیت را نیز نشان داد که برای رسیدن به خواست ها و اهداف خویش، قبل از هر چیز باید تکلیف خود را با ارتجاع اسلامی حاکم و نظم موجود یکسره سازند.

یگانه پاسخ ارتجاع حاکم در قبال اعتراضات توده ای، چنان که پیش از این نیز شاهد بوده ایم، سرکوب و ددمنشی بیشتر است. اما جمهوری اسلامی بعید است بتواند با تشدید سرکوب و بگیر و ببند، جنبش اعتراضی توده های مردم را خاموش کند. با آغاز دور جدید اعتراضات خیابانی مردم زحمتکش شهرهای مختلف و رشد سریع آن، روند اوج یابنده جنبش اعتراضی توده ای کلید خورده است. بهرغم زیگزگای های جنبش اعتراضی توده ای پس از دیمه ۹۶، اکنون اما این جنبش آشکارا در مسیر صعودی گام نهاده است. برای ارتقاء سطح مبارزات کنونی و ثمر بخشی بیشتر و بهتر آن، طبقه کارگر باید به یاری این جنبش برخاسته و در مقیاس سراسری وارد صحنه شود. با اعتصابات اقتصادی و سیاسی سراسری، ضعف اساسی جنبش اعتراضی توده ای در لحظه حاضر را جبران و راه اعتصاب عمومی سیاسی را هموار کند. نباید از یاد برد که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت و برویانه های آن حکومت شورائی کارگران و زحمتکشان را بنا کرد.

زنده باد سوسیالیسم



گرانی بنزین را به آتشی بر خرمن جمهوری اسلامی تبدیل کنیم

دولت جمهوری اسلامی شامگاه پنج شنبه ۲۳ مهر، در حرکتی چراغ خاموش و بدون اطلاع قبلی اقدام به افزایش قیمت بنزین کرد. در پی این اقدام ناگهانی دولت، بنزین سهمیه بندی شده با ۵۰ درصد افزایش قیمت، به ۱۵۰۰ تومان و قیمت آزاد آن با افزایش سه برابری به ۳۰۰۰ تومان در لیتر رسید. این افزایش قیمت ناگهانی پس از آن صورت گرفت که حسن روحانی در سخنرانی روز سه شنبه خود در یزد از شرایط وخامت بار اقتصادی دولت سخن گفت و وضعیت کشور را "غیر طبیعی" خواند. حال با گذشت سه روز از آن سخنرانی معنا دار حسن روحانی، دولت برای جبران کسری چند صد هزار میلیاردی بودجه، قیمت بنزین را سه برابر افزایش داده و در همان حال با بی شرمی تمام اعلام کرده است که این افزایش قیمت، تماماً به جیب ۱۸ تا ۲۰ میلیون خانوار کم درآمد خواهد رفت. خانوارهای کم درآمدی که به گفته حسن روحانی، جمعاً ۶۰ میلیون نفر از جمعیت ۸۴ میلیونی کشور را در بر می گیرد.

یک روز پس از سه برابر شدن قیمت بنزین، همان مردم ضعیف و کم درآمد، همان مردم فقیر و کم بضاعت مورد نظر حسن روحانی در واکنش به گرانی بنزین در شهرهای مختلف کشور به تجمعات اعتراضی علیه این تصمیم دولت روی آورده اند. کارگران و توده های زحمتکشی که سال هاست با اینگونه ترفندهای فریبکارانه دولت و دیگر مقامات جمهوری اسلامی به خوبی آشنا هستند، دیگر کمترین اعتمادی به اینگونه وعده های پویشالی و دروغین آنان ندارند.

خبرهای منتشره حاکی از آن است که از نخستین ساعات روز جمعه، توده های مستأصل از بار گرانی و تورم، به شکل های مختلف به اعتراضات خیابانی علیه جمهوری اسلامی دست زده اند. بیشترین اعتراضات و تجمعات توده ای در شهرهای غربی ایران و استان خوزستان در شهرهای اهواز، ماهشهر، امیدیه و بهبهان شکل گرفته است. اعتراضاتی که محور شعارهای آنان علیه حرکت ریاکارانه دولت متمرکز بوده است. در تجمعات امروز مردم بهبهان، توده های معترض در واکنش به سخنان حسن روحانی که گفته بود، پول حاصل از گرانی بنزین به جیب "مردم ضعیف" می رود، شعار می دادند: "بنزین گرانتر شده، فقیر فقیرتر شده". در اهواز معترضین در شعارهای خود خواستار "خاموش کردن خودروها و عدم خرید بنزین" شده اند. گزارش ها حاکی از آن است که جمعی از توده های معترض در جنوب کشور، جاده امیدیه به آغاچاری (جاده ای که بهبهان را به شهرهای اهواز و ماهشهر متصل می کند) و جاده اهواز به مسجد سلیمان (در شبان) را مسدود کرده اند.

در شهر گچساران واقع در استان کهگیلویه و بویر احمد، و شهرسیرجان در استان کرمان نیز مردم جان به لب رسیده، دست به تجمعات اعتراضی زده اند. ویدئوهایی که از مشهد منتشر شده اند، که معترضان شعارهایی نظیر "روحانی حیا کن، مملکت را رها کن" و یا "دیکتاتور حیا کن، مملکت را رها کن" سرداده اند. توده هایی که مستقیماً علیه روحانی و خامنه ای شعار می دهند.

واکنش توده های جان به لب رسیده در نخستین روز پس از اعلام گرانی قیمت بنزین، نشانگر این واقعیت است که آنان هیچ اعتمادی به نظام حاکم و مسئولان آن ندارند. آنان به خوبی می دانند که فساد و تباهی سر تا پای حاکمیت را فرا گرفته و مسئولان جمهوری اسلامی از خامنه ای تا روحانی، از ابراهیم رئیسی تا برادران لاریجانی، از شورای نگهبان تا نمایندگان مجلس ارتجاع، از سپاه تا دیگر نهادهای زیر مجموعه خامنه ای، جملگی در اختلاس و دزدی و فساد غوطه ورنند. طی چهل سال ثروت های مملکت را غارت کرده اند و اکنون از آنجایی که دیگر چیزی برای چپاول و غارت ندارند، برای پر کردن خزانه خالی دولت، آشکارا دست در جیب همان مردم "ضعیف" و "کم بضاعت" کرده اند. در عوض توده های جان به لب رسیده مردم ایران نیز آنگونه که امروز نشان داده اند، مصمم هستند برای همیشه دستان اینگونه حاکمان دزد و فاسد را قطع کنند. آنان نشان داده اند که این بار مصمم هستند تا گرانی بنزین را همانند آتشی بر خرمن نظام جمهوری اسلامی شعله ور سازند.

سازمان فدائیان (اقلیت) اقدام فریبکارانه دولت در گرانی بنزین را قویاً محکوم کرده و حمایت همه جانبه خود را از اعتراضات توده های زحمتکش کشور اعلام می دارد.

سازمان فدائیان (اقلیت)، گسترش اعتراضات توده ای را یگانه راه عقب نشینی دولت از این دزدی آشکار می داند و از این رو، کارگران، جوانان، دانشجویان، معلمان، زنان و عموم توده های زحمتکش را فرا می خواند تا متحد و یکپارچه علیه سیاست های دولت و تمام نظم موجود به پاخیزند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی- بر قرار باد حکومت شورایی

زنده باد آزادی- زنده باد سوسیالیزم

نابود باد نظام سرمایه داری

سازمان فدائیان (اقلیت)

۲۴ آبان ۱۳۹۸

کار- نان - آزادی- حکومت شورایی

اعتراف روحانی به افلاس و ورشکستگی جمهوری اسلامی

آن کار را نکرد، بی‌مایه فطیر است و بدون پول نمی‌توان کاری کرد... ما چقدر می‌توانیم مالیات بگیریم، بالاترین مالیاتی که برای سال آینده پیش‌بینی می‌شود ۱۵۰ هزار میلیارد تومان است و ما ۳۰۰ هزار میلیارد تومان دیگر را از کجا بیآوریم؟ ۲۰ هزار میلیارد تومان درآمد از گمرکات داریم که ممکن است سال آینده مقداری بیشتر و یا کمتر شود و یکسری درآمدهای متفرقه داریم، اما درآمد اصلی که کشور را اداره می‌کند، پول نفت است". او با این سخن رسماً به افلاس و ورشکستگی جمهوری اسلامی اعتراف کرد. اعتراف روحانی اثبات تحلیل‌های سازمان ما در رابطه با بحران مالی و ناتوانی جمهوری اسلامی در برون رفت از این بحران است. از جمله در نشریه کار شماره ۸۴۳ نوشته بودیم که "جمهوری اسلامی نه راه حلی برای بحران اقتصادی رکود - تورمی دارد و نه توان انجام یک رفرم اقتصادی و کاهش شدت بحران".

ما همچنین در نشریه کار شماره ۸۱۳ تغییراتی را که تحت عنوان اصلاحیه بودجه ۹۸ در "شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا" به تصویب رسیده بود، تحلیل کرده و این موضوع را آشکار کرده بودیم که تنها هدف این تغییرات که با دور زدن "مجلس اسلامی" صورت گرفته، جبران بخشی از کسری بودجه و تامین هزینه‌های دستگاه‌های سرکوب، مذهبی و بوروکراسی جمهوری اسلامی است. در "اصلاحات بودجه ۹۸" در سرفصلی با عنوان "درآمذایی پایدار" از "اصلاح نظام پارانه انرژی (بنزین، گازوئیل و برق) و اصلاح پارانه کالاهای اساسی" به عنوان راه‌های درآمذایی پایدار نام برده شده بود. اولین قدم در این راه نیز افزایش بهای نان بود. در دومین قدم پارانه نقدی بخش‌هایی از پارانه‌بگیران قطع و از ماه گذشته اجرایی گردید و بالاخره افزایش بهای بنزین سومین قدم است که البته می‌تواند این قدم‌ها همچنان ادامه یابد. چرا که با هیچ‌کدام از این قدم‌ها، چاه ویل بحران مالی و افلاس و درماندگی جمهوری اسلامی پُر نخواهد شد. همان‌طور که روحانی گفت این‌جا صحبت از کسری بودجه‌ای معادل دو سوم کل بودجه است (از ۴۵۰ هزار میلیارد تومان، تامین حدود ۳۰۰ هزار میلیارد تومان منبع مشخصی ندارد). نکته مهم دیگر این است که تمام اصلاحات مد نظری که در سرفصل "درآمذایی پایدار" آمده بود، نتیجه‌ای جز تحمیل بار ورشکستگی مالی دولت بر دوش کارگران و زحمتکشان نخواهد داشت.

بنابراین به‌طور خلاصه و اجمال با دو مساله مهم روبرو هستیم. اول این‌که بحران مالی بسیار فراتر از آن است که با این سیاست‌ها دولت بتواند حتا خود را از افلاس و ورشکستگی نجات دهد تا چه رسد به این‌که بتواند تحرکی اقتصادی ایجاد کرده و با تشدید و تعمیق بحران اقتصادی رکود - تورمی مقابله کند. نکته دوم این است که همان به اصطلاح سیاست‌های اقتصادی دولت نیز تنها نتیجه‌اش گسترش فقر و افزایش فاصله طبقاتی خواهد بود، همان‌طور که تاکنون نیز سیاست‌های حاکمیت نتیجه‌ای جز این نداشته است.

در ادامه به تبیین این دو موضوع می‌پردازیم. دولت هم اکنون بدهی‌های کلانی به بانک‌ها، تامین اجتماعی، پیمانکاران و غیره دارد. تنها بدهی دولت به بانک‌ها در پایان سال ۹۷ براساس آخرین

گزارشات رسمی که در تیرماه سال جاری انتشار یافته، با رشدی معادل ۶/۲۸ درصد نسبت به سال ۹۶ به ۳۳۲ هزار میلیارد تومان رسیده بود که بدیهی‌ست با توجه به بحران مالی دولت در سال‌جاری، بدهی دولت به بانک‌ها شتاب بیشتری گرفته باشد. این در حالی‌ست که عموم بانک‌ها نیز ورشکست شده‌اند و دولت برای نجات سیستم بانکی دست به اتخاذ تصمیماتی زده است که با توجه به شرایط اقتصادی اوضاع را بدتر نیز می‌کند.

مصوبه بانک مرکزی برای ادغام چهار بانک نظامی در بانک سپه یک نمونه از این تصمیمات است، بانک‌هایی که هر کدام با ضررهای انباشته ده‌ها هزار میلیارد تومانی بانک‌هایی ورشکسته هستند و در صورت اعلام ورشکستگی، میلیون‌ها سپردمگذار این بانک‌ها به خیابان‌ها خواهند ریخت. به همین منظور به‌جای اعلام ورشکستگی این بانک‌ها که از نظر ذهنی نیز با توجه به نظامی بودن این بانک‌ها می‌تواند تأثیرات گسترده‌تری در سطح جامعه داشته باشد، دولت با ادغام آن‌ها در بانک سپه در عمل بدهی‌های این بانک‌ها را به بانک سپه به عنوان یک بانک دولتی منتقل می‌کند که بار مالی بیش از ۱۷۰ هزار میلیارد تومانی برای دولت خواهد داشت و به همین دلیل تأثیرات مخرب زیادی در افزایش نرخ تورم و رکود خواهد گذاشت. براساس گزارشات رسانه‌های جمهوری اسلامی، بانک قوامین ۶۳ هزار میلیارد تومان، بانک مهر اقتصاد ۵۲ هزار میلیارد تومان، بانک انصار ۳۷ هزار میلیارد تومان، بانک حکمت ایرانیان ۴ هزار میلیارد تومان و موسسه اعتباری کوثر ۲۰ هزار میلیارد تومان ضرر انباشته دارند. نکته مهم دیگر این‌که به‌رغم این‌که ضرب‌الاجل چهار ماهه برای ادغام این بانک‌ها در بانک سپه در تیرماه سال جاری به پایان رسیده، اما هنوز این اقدام شکل عملی به خود نگرفته است و البته علت این مساله نیز روشن است. دولت آن‌چنان به افلاس افتاده و شرایط اقتصادی آن‌چنان بحرانی است که اجرای تصمیماتی این چنینی دیگر در توان دولت نیست. بنابراین از سویی اتخاذ این تصمیم و از سوی دیگر عدم توان در اجرای آن بیان‌گر چیزی جز ناتوانی محض دولت نیست.

بدهی ۲۵۰ هزار میلیارد تومانی دولت به سازمان تامین اجتماعی یک نمونه دیگر است که سال به سال بر میزان آن افزوده می‌شود. همین مساله نیز بهانه‌ای شده تا سازمان تامین اجتماعی هم از خدمات بیمه‌ای به کارگران و بازنشستگان بکاهد و هم مستمری بازنشستگان را قطرچکانی افزایش دهد، به نحوی که هم اکنون خط فقر چند برابر مستمری بازنشستگان است. مستمری اکثریت بسیار بزرگ بازنشستگان تامین اجتماعی در حالی حدود ۲ میلیون تومان است که خط فقر (هزینه یک خانوار) براساس محاسبات "کمیته دستمزد شوراهای اسلامی کار" در شهریور ماه از ۸ میلیون تومان نیز گذشت!!! بدهی دولت به سازمان تامین اجتماعی یک شکل دیگر از دست کردن در جیب کارگران برای تامین نیازهای دستگاه‌های سرکوب، مذهبی و بوروکراسی برای بقای جمهوری اسلامی است که حتا این سازمان را با خطر ورشکستگی روبرو ساخته است. سازمانی که اگرچه منابع‌اش از پول کارگران است اما کارگران هیچ دخالتی در

اداره آن ندارند و مدیران فاسد دولتی در این سازمان به مانند دیگر ارگان‌های دولتی مشغول چپاول اموال کارگران هستند.

پیمانکاران دیگر طلبکاران دولت هستند. ۴ سال پیش آخوندی وزیر سابق راه و شهرسازی میزان بدهی دولت به پیمانکاران را ۳۳۰ هزار میلیارد تومان اعلام کرده بود. رقمی که هرگز هیچ‌کدام از دیگر مقامات دولتی از آن سخن نگفتند!!! آنچه که مشخص است این است که بدهی دولت به پیمانکاران در طول سال‌های اخیر به‌ویژه از سال ۹۷ شتاب گرفته است و دولت به‌جای پرداخت طلب پیمانکاران به آن‌ها اوراق مشارکت (قرضه) با سررسید یک ساله و غیره داده است که برخی از پیمانکاران نیز با فروش این اوراق به رقم‌هایی خیلی پایین‌تر دست زده‌اند. عدم پرداخت دستمزد کارگران در پروژه‌های پیمانی، جدا از طمع پیمانکاران، یکی از دلایل‌اش عدم پرداخت طلب آن‌ها از سوی دولت است. از دیگر نتایج عدم پرداخت طلب پیمانکاران، بیکاری کارگران، خوابیدن پروژه‌ها و تشدید رکود است.

سهم فروش اوراق مشارکت (قرضه) نیز در سال‌های اخیر در بودجه سالانه رو به افزایش بوده است. برای نمونه در بودجه سال ۹۸ میزان فروش اوراق مشارکت نسبت به سال پیش از آن، ۱۴ درصد افزایش داشت و این در حالی‌ست که در اصلاحیه بودجه فروش باز هم بیشتر اوراق مشارکت (قرضه) پیش‌بینی شده است. در بهمن ۹۶ نزدیک به دو سال قبل محمدرضا باهنر گفته بود: "یک زمان ما نفت می فروختیم و دولت خرج می کرد. از سال ۹۲ و ۹۳ (با تشدید تحریم‌ها) دولت شروع به فروش اوراق مشارکت کرد اما متأسفانه در سال ۹۵ ما اوراق مشارکت را برای حقوق کارمنداها فروختیم و امسال اوراق می‌فروشیم که اوراق مشارکت قبلی‌ها را بدهیم. این اگر کنترل نشود ۸ الی ۷ سال دیگر بدهی ما در اوراق مشارکت از کل بودجه دولت بیشتر می‌شود". وی در ادامه گفته بود: "خدا کند که تق و توق بانک‌های اصلی در نیاید چرا که تراز برخی از این بانک‌ها قرمز است". حال از آن زمان دو سال گذشته و شرایط مالی دولت آن‌چنان وخیم شده که دیگر کار به ۷ یا ۸ سال نیز نخواهد کشید و دولت دیگر قادر به بازپرداخت بدهی‌های خود بابت فروش اوراق مشارکت نیست.

البته در رابطه با فروش اوراق مشارکت، دولت با مشکل جدیدی نیز روبرو شده است و آن عدم اطمینان خریداران و کاهش گرایش به خرید اوراق مشارکت است. از سال ۹۶ با روندی شتابنده شاهدیم که پولداران بیشتر گرایش به انتقال پول‌های‌شان به خارج از کشور پیدا کرده‌اند تا این‌که مثلاً اوراق مشارکت بخردند و این را در گزارشات رسمی نیز شاهدیم که بارها اوراق مشارکت به طور کامل به فروش نرفته است. افزایش خرید خانه در ترکیه و کشورهای دیگر یک نمونه از این همین واقعیت است که گرایش پولداران کشور به دلایل سیاسی و اقتصادی به انتقال پول‌های‌شان به خارج از کشور را نشان می‌دهد. یکی دیگر از منابع دولت در سال‌های اخیر برای تامین بودجه دستگاه‌های نظامی، مذهبی و بوروکراسی فروش اموال دولتی بود که این نیز دارد به آخر می‌رسد و به قول معروف "کف‌گیر به ته دیگ خورده است". در طول این سال‌ها نه فقط به دلیل تامین بودجه بلکه به

جمهوری اسلامی، غوطه ور در گرداب دزدی و فساد

قابل کنترل تبدیل شده است. نمونه اش نظام های مذهبی و قبیله ای حاکم بر کشورهای منطقه خاورمیانه است که تمام آن ها در دزدی و فساد غیر قابل کنترل غوطه ورنند. نمونه اش حکومت های ارتجاعی حاکم بر عراق و لبنان است که این روزها جوانان و توده های زحمتکش آن ها در گستره ای وسیع و عمومی علیه حاکمان دزد و غارتگر و فاسد به شورش و قیام برخاسته اند. با این همه، به جرأت می توان گفت که نظام جمهوری اسلامی هم به لحاظ ابعاد فساد و هم به لحاظ میزان گستردگی آن در راس تمام نظام های ارتجاعی موجود در منطقه و کل جهان است. مطابق برآورد سازمان شفافیت بین المللی از شاخص تلقی از فساد در سال ۲۰۱۴، جمهوری اسلامی در مقام ۱۳۶ یکی از فاسدترین آن ها در میان ۱۷۴ کشور جهان است.

طی دهه های گذشته دامنه فساد در نظام جمهوری اسلامی و نهادهای آن به حدی گسترش یافته است که از سال ها پیش صدای اعتراض برخی مسئولان آن از هر سو بلند شده است. با این تفاوت که هر نهاد و دستگاهی با تکرار شعار "کی بود کی بود، من نبودم"، دیگران را به دزدی و فساد متهم می کند. نمونه اش ابراهیم رئیسی است. کسی که به مدت سی سال معاون اول دستگاه قضا بود اما هرگز صدایی از او جهت مقابله با دزدی و فساد حاکم بر جمهوری اسلامی بر نیامد. اکنون اما، پس از نشستن بر صندلی ریاست دستگاه قضایی کشور، با ادعای برخورد با مفاسد اقتصادی، پرچم مبارزه با فساد را در دست گرفته است. او طی ماه های گذشته با اهدافی تبلیغاتی، اقدام به دستگیری و محاکمه تعدادی از مدیران دولتی از جمله حسین فریدون برادر حسن روحانی کرده است. از طرف دیگر، حسن روحانی نیز در واکنش به اینگونه اقدامات دستگاه قضایی، ابراهیم رئیسی را به برخورد جناحی، سیاسی و تبلیغاتی در مورد مبارزه با فساد متهم کرده است. روحانی که به خوبی آگاه است دزدی و فساد بیش از هر جایی در درون سیستم قضایی و دیگر نهادهای زیر مجموعه خامنه ای ریشه دوانده اند، در سخنرانی های اخیر خود در یزد و کرمان با انداختن توپ در زمین حریف فریاد کشیده، وقتی قوه قضائیه "با فسادهای میلیونی و میلیاردی برخورد می کند" چرا در خصوص "فسادهای میلیارد دلاری" هیچ توضیحی نمی دهد. چرا در مورد "سرنوشت پول های بزرگی که از جیب بیت المال رفته است" هیچ اشاره ای نمی کند. روحانی سپس با زیر سؤال بردن عملکرد رئیسی و دستگاه قضایی اعلام کرد، "با به دادگاه بردن چند نفر و صدا کردن که سر مردم کلاه نمی رود" او همچنین با اشاره به پرونده بابک زنجانی گفت: هنوز برای ما روشن نیست آن آقای که دو میلیارد و ۷۰۰ میلیون [دلار] پول را خورد و حکم اعدام هم برای او صادر شد، این پول کجا رفت؟

در دعوی میان دستگاه های اجرایی و قضایی

جمهوری اسلامی، دستگاه قانون گذاری نظام هم که بیشتر نمایندگان آن دستشان به صورت آشکار و نهان به دزدی و فساد آلوده است، یا منفعل بر صندلی های خود نشسته اند و به دوره های بعدی ورود به مجلس می اندیشند و یا در محدود مواردی آن دسته از نمایندگانی که امید چندانی به دوره های بعدی ندارند، هر چند وقت یکبار در نطق های پیش از دستور خود با یک سری کلی گویی علیه گسترش دزدی و فساد در جمهوری اسلامی سخن می گویند. این دسته از نمایندگان، بسته به موقعیت و شرایط زمانی و اینکه سر در آبشخور کدام یک از جناح های حکومتی داشته باشند، معمولاً با افشاگری های خود پرده از برخی دزدی ها و فساد های افراد متعلق به این جناح یا آن جناح بر می دارند. نمایندگانی همانند هدایت الله خامنه ای، نماینده ایذه که در مرداد ماه سال گذشته طی نطقی در مجلس ارتجاع اسلامی، این مجلس را "حیات خوت" دولت های مختلف جمهوری اسلامی دانست و با اشاره به اینکه "چهل سال است که ۲۰۰ خانواده سرنوشت کشور را به گروگان گرفته" و در این مدت مردم را "بیدخت" کرده اند، راه برون رفت از معضلات اقتصادی را "پرده برداری" از دزدی و فساد و اختلاس اعلام کرد.

خلاصه اینکه طبقه حاکم و نظام سیاسی پاسدار منافع آن به رغم اینکه جملگی در غارت و چپاول سرمایه های عظیم مملکت شریک جرم هستند و هر کدام بخشی از مجموعه درآمدهای حاصل از دسترنج کارگران و زحمتکشان کشور را به جیب زده اند، در سهم بری بیشتر و بعضاً کوتاه کردن دست رقیب از این خوان نعمت مدام با هم به جنگ و جدال بر خاسته اند. در این میان اما، آنچه بیش از همه به گوش می رسد، صدای شکستن استخوان های توده های محروم و سرکوب شده ایران است که زیر چرخ دنده های سنگین ماشین فساد و دزدی حاکم بر جمهوری اسلامی به گوش می رسد. فساد که به لحاظ گستردگی از مدت ها پیش زنگ خطر آن برای جمهوری اسلامی به صدا درآمده است. تهدیدی که احمد توکلی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام از سال های گذشته به دفعات بر آن تاکید کرده است. احمد توکلی، پیش از این در چندین نوبت با طرح این موضوع که "فساد" تهدیدی برای بقای جمهوری اسلامی است به مسئولان درجه اول نظام هشدار داده است که: نه کودتای نظامی، نه تجاوز نظامی و نه انقلاب مخملی هیچ کدام نمی تواند ضربه ای به جمهوری اسلامی وارد کند اما فساد، جمهوری اسلامی را تهدید می کند."

تهدید و هشدار که این روزها حسن روحانی نیز طی سخنان خود در شهر یزد به زبانی دیگر بر آن صحنه گذاشته است. روحانی با اشاره به عملکرد یکطرفه دستگاه قضایی که طی چند ماه گذشته لبه تیز مبارزه ادعایی آن با فساد حکومتی عمدتاً روی دزدی و اختلاس افراد نزدیک به کابینه روحانی متمرکز شده است، رویه فوق را باعث ایجاد "شکاف و دو دستگی" در درون

حاکمیت تلقی کرده و از این بابت به ابراهیم رئیسی و مجموعه دستگاه قضایی هشدار داده است. روحانی با طرح این موضوع که در برهه حساس کنونی که بیش از همیشه به وحدت و یگانگی احتیاج داریم، اینگونه عملکرد یک طرفه دستگاه قضایی در مبارزه با دزدی و فساد را زنگ خطری برای کل حاکمیت جمهوری اسلامی به حساب آورده و خطاب به مسئولان قوه قضائیه گفته است: دادستان ها و قضات شریف ما نترسند و به این جناح یا آن جناح توجه نکنند و با این پرونده ها با صراحت و روشنی برخورد کنند". سخنانی که بلافاصله با واکنش تند ابراهیم رئیسی و غلام حسین اسماعیلی، سخنگوی قوه قضائیه مواجه شد.

پوشیده نیست دعوای این چنینی میان دستگاه های مختلف جمهوری اسلامی امر امروز و دیروز نیست. تا بوده چنین بوده و بعد از این نیز خواهد بود. خصوصاً با گسترش مبارزات توده ای و خالی شدن خزانه دولت و نظام از پول های باد آورده، این درگیری ها نیز در اشکال حادثتری بروز خواهند کرد. از آنجا که کل سیستم قضایی جمهوری اسلامی از صدر تا پایین مستقیم و غیر مستقیم منصوب شخص خامنه ای است، انتظار اینکه دستگاه فوق به فساد و دزدی های کلان در درون خودش ورود کند، امری ذهنی و خیالی است تا چه رسد به اینکه بخواهد به بهانه مبارزه با فساد به حاشیه امن و آهنگین دستگاه های تحت امر خامنه ای ورود کند. نمونه ها فراوانند. پرونده اختلاس های کلان قالیباف در دوره ای که شهردار تهران بود کجا رفت؟ پرونده فساد اکبر طبری که طی دو دهه نقش اساسی در امور مالی قوه قضائیه داشته است و در تیر ماه ۹۸ به اتهام رشوه بازداشت شد، اکنون کجاست؟ اکبر طبری علاوه بر اینکه در دوره ریاست شاهرودی بر قوه قضائیه، از عناصر کلیدی و پشت پرده این دستگاه بود، در دوران ریاست صادق آملی لاریجانی نیز، مدیر کل امور مالی قوه قضائیه و معاون اجرایی حوزه ریاست این دستگاه عریض و طویل را بر عهده داشته است. حوزه ای بسیار گسترده، بوروکراتیک و فاقد هرگونه سیستم کنترل شونده که هر روزه هزاران میلیارد تومان پول، اموال مصادره ای و وثیقه ای در آن گردش داشته است. پرونده ای که پس از چند روز سر و صدا به حاشیه امن دستگاه قضایی رفته است.

با چنین عملکردی از سیستم قضایی جمهوری اسلامی، دیگر بر کسی پوشیده نیست که مجموعه دستگاه قضایی، فاسدترین نهاد موجود در کل این نظام جمهوری اسلامی است. از آنجا که حسن روحانی خود به پرونده های کلان دزدی و اختلاس در جمهوری اسلامی واقف است و بهتر از هر کسی می داند که بزرگترین فسادهای حکومتی در بیت رهبری و نهادهای تحت امر او لانه کرده اند، اینروزها با تهدید به افشاگری به شیوه احمدی نژاد و تکرار جمله بگم بگم، در صدد است تا آنجا که ممکن است برای خود و طرفدارانش نیز یک حاشیه امن ایجاد کند.

اینکه حسن روحانی، از پرونده ۹۴۷ میلیون دلاری رونمایی می کند، اینکه از نهادهایی حرف می زند که بیش از ۷۰۰ میلیون دلار

جمهوری اسلامی، غوطه ور در گرداب دزدی و فساد

گرفته اند و هرگز توضیح نمی دهند این پول ها کجا رفته است؟ اینکه از گم شدن میلیاردها دلار در دولت احمدی نژاد حرف می زند و می گوید، "معلوم نیست که این پول ها" چه شده است و اینکه در نهایت با زبان تهدید اعلام کرده است، "این پول هایی که من امروز اعلام کرده ام باید برای مردم توضیح داده شود وگرنه مورد به مورد در استان های مختلف این ها را اعلام می کنم"، جدای از بازداشت ها و تنگناهای قضایی که در ماه های گذشته برای او و مدیران دولتی ایجاد شده است، او بیش از هر چیز نگران غرق شدن کشتی سوراخ شده جمهوری اسلامی است. کشتی ترک برداشته ای که بیش از هر زمان دیگری در گرداب دزدی و فساد غوطه ور است. وگرنه کیست که نداند، رقم های گم شده ای که او از آن ها نام می برد، در مقایسه با دزدی ها، اختلاس ها و فسادهای چند هزار میلیاردی که پیش از این برملا شده اند و فسادهای بزرگتری که در زمانی نه چندان دور برملا خواهند شد، پر کاهی بیش نیستند.

اکنون نه فقط کارگران و زحمتکشان که همه آحاد جامعه با تکیه بر تجارب ملموس خود در محیط کار و زندگی بر این امر واقفند که کل نظام جمهوری اسلامی غرق در دزدی و فساد و اختلاس است، بلکه به خوبی دریافته اند که اگر در دهه های گذشته فقط مسئولان رده بالای حکومتی و نهادهای اجرایی در غارت و چپاول سرمایه های مملکت سهم می بردند، اکنون به جرأت می توان گفت، که تمامی افراد وابسته به این نظام ارتجاعی و تبهکار، از بالاترین رده های مسئولین گرفته تا پائین ترین سطوح آن، جملگی در رانت خواری و رشوه و فساد غوطه ورنند.

در نظامی با چنین ابعادی از فساد و دزدی و غارتگری، مبارزه با فساد آنگونه که ابراهیم رئیسی علم و کتلت آن را بلند کرده است، و یا آنگونه که حسن روحانی در هشدار به قوه قضائیه نهیب می زند که "همه ما باید با شفافیت و عزمی راسخ با فساد در این جامعه مبارزه کنیم"، سخن یاره ای بیش نیست. نظامی که این چنین در گرداب دزدی و فساد غوطه ور است، مبارزه برای برچیدن ریشه های این فساد نهادینه شده جز با سرنگونی طبقه حاکم و بر چیدن نظم موجود امکان پذیر نیست.

**پیش به سوی
تشکیل حزب
طبقه کارگر**

اطلاعیه مشترک

در پشتیبانی از اعتراضات مردم به افزایش قیمت بنزین

از بعدازظهر روز جمعه ۲۴ آبان برابر با ۱۶ نوامبر، مردم معترض در شهرهای تهران، سیرجان، بندرعباس، اهواز، کرج، ماهشهر، بهبهان، خرمشهر، اصفهان، مشهد، آغاچاری، زاهدان، امیدیه، سندرچ، شیراز، قم، اندیشمک، تبریز، ساوه، بوشهر، گچساران، بروجن و ... به خیابان ها آمدند و به افزایش سرسام آور بهای بنزین اعتراض کردند. مردم معترض در این تجمعات و تظاهرات اعتراضی با شعارهایی از قبیل: "بنزین گرانتر شده، فقیر فقیرتر شده"، "روحانی حیا کن مملکت را رها کن"، "دیکتاتور حیا کن مملکت را رها کن"، "ذلت نمی پذیریم، حق خود را می گیریم". و ... خشم و انزجار خود از این تعرض آشکار به نان و سفره و سطح معیشت شان ابراز داشتند. بر اساس گزارش ها مردم معترض جاده امیدیه به آغاچاری و جاده اهواز به مسجد سلیمان را مسدود کرده اند و در تظاهرات مردم سیرجان یک نفر در اثر تیراندازی نیروهای انتظامی جان خود را از دست داده است. افزایش سرسام آور قیمت بنزین به دنبال توافق سران سه قوه رژیم جمهوری اسلامی در یک اقدام مشترک و هماهنگ برای جبران کسری بودجه دولت و تأمین هزینه نیروهای سرکوبگرش صورت گرفته که بر اساس این تصمیم هر لیتر بنزین سهمیه ای از ۱۰۰۰ به ۱۵۰۰ تومان و بنزین غیر سهمیه ای از ۱۰۰۰ به ۳۰۰۰ تومان یعنی سه برابر افزایش پیدا کرد.

اعتراضات گسترده توده های مردم در شهرهای مختلف سران رژیم را سراسیمه کرده و هر یک به نوعی به توجیه این تصمیم خود برآمده اند. دولت فریبکارانه افزایش قیمت بنزین را کمک به بهبود زندگی مردم محروم نام می برد. هیئت رئیسه مجلس اسلامی اعلام کرده: "با توجه به اینکه افزایش قیمت بنزین به یکباره و بدون اطلاع رسانی قبلی صورت گرفته جمعی از نمایندگان درخواست برگزاری جلسه غیرعلنی برای بررسی موضوع افزایش قیمت بنزین را مطرح کرده اند". حسن روحانی، اظهار داشته که "پیشنهادی برای افزایش قیمت بنزین تا ۵ هزار تومان برای هر لیتر نیز بوده که او با آن مخالفت کرده است". مجمع تشخیص مصلحت طی اطلاعیه ای اعلام کرده است که: "رئیس و دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام هیچ مصاحبه، سخنرانی یا پیامی در تایید یا حمایت از افزایش نرخ بنزین در روزهای اخیر نداشته است".

توده های مردم محروم و ستمدیده که این عوامفریبی های سران رژیم را بارها تجربه کرده اند برای این توجیهاات وعده های سران رژیم ارزشی قائل نیستند. آنها به خوبی می دانند که افزایش قیمت بنزین بلافاصله افزایش قیمت حمل و نقل را به دنبال خواهد داشت و اکثریت مردم ایران را که زیر خط فقر زندگی می کنند بیش از پیش تحت فشار قرار خواهد داد. بخشی از میلیونها خودروی که در حال تردد هستند، وسیله تأمین معاش خانواده صاحبانشان هستند و افزایش سرسام آور قیمت بنزین چرخ زندگی بخش وسیعی از این خانواده ها را دشوارتر خواهد کرد.

ما این تعرض افسار گسیخته رژیم فاسد جمهوری اسلامی به سطح زندگی و معیشت مردم را محکوم می کنیم و از اعتراضات و مبارزات برحق توده های مردم که در واقع تعرض متقابل آنها به این تصمیم و قیحانه سران رژیم است پشتیبانی می کنیم. تداوم این اعتراضات توده ای می تواند دولت روحانی را به عقب نشینی وادار کند. سراسیمگی و توجیه تراشی سران قوه ها نشان از ترس و وحشت آنها از گسترش اعتراضات توده های مردم است. جامعه ایران در وضعیتی انفجاری قرار دارد و همانگونه در همین دوره اخیر در نقاط دیگر جهان شاهد بوده ایم این نوع اعتراضات می تواند به خیزش های بزرگتری تبدیل شود که کل حاکمیت این رژیم های فاسد و ضد مردمی را نشانه رود. کارگران که دستمزدهای چند مرتبه زیر خط فقر بسر می بردند، معلمان و بازنشستگانی که از فقر رنج می برند، دیگر چاره ای به جز اعتراض ندارند. مردم نباید بگذارند که این رژیم جنایتکار هزینه سنگین سرپا نگاه داشتن دستگاه فاسد دولتی و ارگان های سرکوب و مداخله گری های نظامی در کشورهای منطقه را به سفره خالی آنها تحمیل نماید. برای به عقب نشاندن رژیم از این تعرض آشکار راهی جز گسترش و سراسری کردن اعتراضات وجود ندارد. تعرض رژیم به زندگی و معیشت کارگران و مردم محروم و آزاده ایران را با تداوم مبارزه و اتحاد و همبستگی می توان پاسخ داد. انعکاس پژواک این صداهای حق طلبانه، هزینه این نوع تعرضات و قیحانه به نان و سفره مردم را برای رژیم بالاتر می برد و دستیابی به زندگی ای بهتر را برای مردم محروم ممکن و مقدور می سازد.

هر چه گسترده تر باد خیزش های حق طلبانه مردم محروم و ستمدیده

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

۱۶ نوامبر ۲۰۱۹

امضاکنندگان: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمیت، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

اعتراف روحانی به افلاس و ورشکستگی جمهوری اسلامی

دلیل فساد حاکم، بسیاری از اموال تحت کنترل دولت به افراد و یا نهادهایی به قیمتی بسیار ناچیز فروخته شده و به بیان دیگر این اموال توسط عوامل و جبرمخواران دولتی غارت شده است. به نحوی که هم اکنون "ستاد اجرایی فرمان امام"، "استان قدس" و "قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا" از جمله به بزرگترین کارتل‌های کشور تبدیل شده‌اند.

با این توضیحات است که می‌فهمیم چرا بهای بنزین یک شبه سه برابر شد و این که اگر کارگران و زحمتکشان با این سیاست رژیم مقابله نکنند، رژیم قدم‌های بیشتری را نیز خواهد برداشت. چرا که جمهوری اسلامی همان‌طور که حسن روحانی گفت ورشکسته است و برای تأمین برخی از نیازهایش برای بقا، مانند همیشه دست در جیب کارگران و زحمتکشان کرده و آن‌ها را به فقر هر چه بیشتر محکوم خواهد نمود. بنابر گفته بیژن زنگنه دولت از افزایش بهای بنزین ۳۱ هزار میلیارد تومان بدست خواهد آورد. اگرچه دولت گفته است که این رقم را بین مردم توضیح خواهد کرد ولی همگان می‌دانند که رژیم این کار را نخواهد کرد و اگر تا مقطعی این کار را در سطح محدودی انجام دهد، این بارانه‌های دولتی نیز سرنوشتی جز همان بارانه نقدی نخواهند داشت که پس از گذشت ده سال قدرت خرید ۴۵ هزار تومان بارانه نقدی به یک دهم کاهش یافته است. اما در عوض بار تورمی افزایش بهای بنزین به سرعت سفره‌های محقر کارگران و زحمتکشان را باز کوچکتر خواهد کرد. جالب آن‌که حسین میرزایی سخنگوی ستاد اجرایی تبصره قانون ۱۴ بودجه گفته است که کمک معیشتی به ۱۸ میلیون خانوار بابت گران شدن بنزین به صورت نقدی نخواهد بود!! وی گفت کارت سرپرستان خانوار شارژ می‌شود و این افراد صرفاً می‌توانند در فروشگاه‌های بزرگ برای خرید از این کارت استفاده کنند!!! حال باید پرسید، خانواده‌های بسیاری در روستاهای دورافتاده زندگی می‌کنند و یا در شهرهایی که این فروشگاه‌های بزرگ را ندارند، آن‌ها چگونه باید از این کارت‌ها استفاده کنند!!!!

اگر حسن روحانی به افلاس و ورشکستگی جمهوری اسلامی اعتراف می‌کند به این دلیل است که ورشکستگی و افلاس جمهوری اسلامی آن‌چنان عیان شده است که دیگر راهی جز اعتراف برای این دژخیمان نمانده است. افزایش سه برابری بهای بنزین نیز نشان می‌دهد که مانند همیشه و همان‌طور که ما بارها نوشتیم و هشدار دادیم رژیم هر جا که در مانده دست در جیب کارگران و زحمتکشان خواهد کرد و آن‌ها را به فقر بیشتر محکوم می‌کند. باید نقطه پایانی بر این رنج‌ها گذاشت که سال به سال بر ابعاد آن افزوده می‌شود. سیاست‌های جمهوری اسلامی منجر به این شده است که گروهی بسیار کوچک صاحب همه چیز شوند اما در عوض کارگران و زحمتکشان به قهقرای فقر پرتاب شوند. انقلاب و برپایی حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان تنها راه نجات است. همگان به‌خوبی می‌دانند که انقلاب یک عمل جراحی دردناک است اما پس از آن بهار به توده‌ها لبخند خواهد زد.

اطلاعیه مشترک درباره دستگیری حمید نوری در سوئد و اهمیت آن برای جنبش دادخواهی

حمید نوری یکی از عاملین شناخته شده کشتار هزاران زندانی سیاسی در تابستان ۶۷ در زندان گوهردشت بود. او با نام مستعار عباسی و با سمت دادیار در زندان گوهردشت در کنار جنایتکارانی چون ابراهیم رئیسی (رئیس فعلی قوه قضائیه جمهوری اسلامی) جزو هیأت مرگ بود. بیشترین اعدام‌های هولناک، در این زندان و نیز زندان اوین صورت گرفته است.

حمید نوری بعد از اتمام این نسل کشی نیز به همکاری خود با اسامی مستعار گوناگون با وزارت اطلاعات و قوه قضائیه ادامه داده است و بعد از مدتی همچون بسیاری از سرداران سپاه و ایادی اطلاعاتی و حکومتی وارد تجارت و غارت شده و ثروت هنگفتی به جیب زده است.

او زمانی که هفته گذشته قصد داشت وارد سوئد شود با شکایت پاره ای از قربانیان و جان بدربرده گان دهه خونین شصت و به دستور دادستان، در فرودگاه استکهلم دستگیر شد. دادستان این شهر به شکایان یکماه فرصت داده که اسناد و مدارک خود را ارائه کنند و تا آن زمان او در بازداشت موقت خواهد بود. بازداشت این فرد موفقیتی برای جنبش دادخواهی است. حمید نوری یک آدمکش جانی خیابانی نیست که به اتهام قتل ده ها نفر در کوچه و خیابان دستگیر و محاکمه می‌شود. او یکی از عاملین کشتار خونین تابستان ۶۷ است. کسی که به بسیاری از اسرار سر به مهر آن جنایت هولناک آگاهی دارد. محاکمه او در یک دادگاه علنی در واقع پرتوی بر تاریکخانه کشتار تابستان ۶۷ و پاسخی بر سؤالات بی جواب تاکتونی خانواده های آن عزیزان جانفشان است. وقوف به اینکه قتل عام زندانیان در چه پروسه ای سازماندهی شد؟ به غیر از خمینی، چه مقامات دیگری در این تصمیم هولناک نقش داشته اند؟ چه تعداد از زندانیان در تابستان ۶۷، کشتار شدند؟ پیکرهایشان در کدامین گورستان های بی نام و نشان دفن شده اند؟ از جمله مواردی هستند که جنبش دادخواهی ایران طی تمامی این سال ها به دنبال پاسخی بر این پرسش ها بوده است.

جنبش دادخواهی علیه جنایات سیستماتیک جمهوری اسلامی در تمام طول حاکمیت این رژیم فاشیستی تداوم داشته است. این جنبش نه با دستگیری حمید نوری آغاز شده و نه با آن پایان می‌گیرد. در تمام دهه های گذشته، مادران خاوران و خانواده های زندانیان سیاسی و جانبازان در داخل کشور و انبوه جان بدربرندگان، زندانیان سیاسی سابق، انجمن ها و کمیته های دفاع از زندانیان سیاسی و مبارزه با اعدام و شکنجه، دادگاه نمادین ایران تریبونال و همایش های گفتگوهای زندان و ... نقش مؤثری در حفظ و تداوم جنبش دادخواهی و روشنگری درباره ابعاد گوناگون آن جنایات بویژه در سال های نخست دهه ۶۰ و تابستان ۶۷ داشته اند.

هنوز مشخص نیست که دادگستری سوئد حاضر خواهد بود این جنایتکار را محاکمه و به حبس طولی مدت محکوم کند و یا همچون بسیاری دولتهای غربی، در راستای منافع سیاسی، امنیتی و اقتصادی خود، حاضر خواهند بود اقدامات جنایتکارانه عوامل رژیم ایران در داخل و اقدامات تروریستی آن در خارج را نادیده بگیرند و آنها را به ایران پس بفرستند و یا با برخی شهروندان زندانی خویش در ایران معاوضه کنند. آزاد کردن انیس نقاش در فرانسه، کاظم دارابی در آلمان، فراری دادن آخوند شاهرودی (رئیس سابق قوه قضائیه) از بیمارستانی در هانوفر آلمان، عدم پیگیری عوامل اصلی فاجعه تروریستی رستوران میکونوس در برلین و نیز فراری دادن عامل ترور عبدالرحمان قاسملو و یارانش در وین اتریش، همه و همه نشان میدهند که دول سرمایه داری چه ظرفیت مشمزنکننده ای برای معامله با جمهوری اسلامی ایران دارند. تنها درگیر کردن افکار عمومی این کشورها و نهادهای آزادیخواه در دفاع از ابتدایی ترین موازین حقوق بشر و گسترش دامنه جنبش دادخواهی میتواند آنها را از چنین معامله هایی باز دارد و با در برابر سازش آنها مانع ایجاد کند.

آنچه مهم است این است که جنبش دادخواهی از این فرصت استفاده کند تا مجدداً نوری بر آن جنایات هولناک بتاباند. بگذار از این پس، هیچ مقام جنایتکار و غارتگر رژیم اسلامی جرئت نکند با خیال راحت گشت و گذار و سفر کند. هیچ نقطه ای از کره زمین نباید برای این جانیان بدل به بهشت امن شود. این جنبش در جستجوی حقیقت و دادخواهی، نه قصد انتقام گیری دارد و نه می‌خواهد همچون جنایتکاران حاکم، دور باطلی از چرخه خشونت و شکنجه و اعدام را بازتولید کند.

جنبشی که ما از آن دفاع می‌کنیم قاطعانه با هر نوع شکنجه و اعدام و نقض حقوق بشر مرزبندی دارد و خود را عمیقاً به موازین انسانی پایبند میدانند. بنابراین همچون مادران خاوران و انبوه قربانیان ماتشین انسان کشی جمهوری اسلامی ندا سر میدهیم که "نه فراموش می‌کنیم و نه می‌بخشیم!" با اعتقاد محکم به این موازین شناخته شده و مدرن و رادیکال است که ما اعلام می‌کنیم هیچگاه به زبان جانیان سخن نخواهیم گفت!

**هر چه گسترده تر باد جنبش دادخواهی
سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم
۱۵ نوامبر ۲۰۱۹**

امضاکنندگان: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت



با سازماندهی اعتصاب عمومی به یاری جوانان و توده های قیام کننده برخیزیم

مرگ بر جمهوری اسلامی، مرگ بر ستمگران، مرگ بر دزدان و غارتگران حاکم بر ایران و مرگ بر خامنه ای که با "اشرار" خواندن جوانان و توده های معترض و بیپاخاسته فرمان سرکوب و کشتار آنان را صادر کرد. جوانان و توده های سلحشوری که با سه برابر شدن قیمت بنزین به اعتراضات وسیع خیابانی علیه دزدان و آدمکشان و جنایتکاران حاکم بر ایران بپا خاسته اند. مرگ بر جنایتکاران و آدمکشانی که همانند اشرار و دزدان سر گردنه، چهل سال شرارت کرده اند، چهل سال مردم را کشتار کرده اند، چهل سال سرمایه های مملکت را غارت کرده اند، چهل سال جامعه را به قهقرا برده اند، چهل سال فقر و فلاکت روز افزون را بر عموم توده های مردم ایران تحمیل کرده اند و اکنون رهبر همین دزدان و آدمکشان سر گردنه که با اعتراضات وسیع خیابانی و قیام جوانان و توده های جان به لب رسیده مواجه شده است، با وقاحت و بی شرمی تمام این مردم بیپاخاسته را "اشرار" خوانده است. مردم سلحشوری که از اینهمه سرکوب و کشتار، اینهمه غارت و چپاول، اینهمه دزدی و اختلاس حاکمان اسلامی به ستوه آمده اند و اکنون دیگر حاضر به تحمل وضعیت موجود نیستند.

جوانان و توده های زحمتکشی که گرانی بنزین جرقه ای بر خشم و انزجار چهل ساله آنان از نظام جمهوری اسلامی شد. خشمی که از نخستین ساعات گران شدن بنزین در اغلب شهرهای ایران شعله کشید و طی سه روز در اشکال مختلف مبارزاتی، از اعتراضات وسیع توده ای گرفته تا راه بندان و بستن جاده ها، از قیام و سنگر بندی گرفته تا جنگ و گریز خیابانی، از به آتش کشیدن مراکز سرکوب و ستم گرفته تا حمله به بانک ها و کانون های خرافات دینی، جملگی کابوسی برای خامنه ای و دیگر آدمکشان جمهوری اسلامی شده اند.

فرمان خامنه ای همراه با تاکیدات وزیر کشور جمهوری اسلامی در سرکوب و کشتار مردم بپا خاسته، تماما ناشی از همین شعله های بلند خشم و انزجار جوانان و توده های قیام کننده ای است که طی سه روز گذشته بر جان و خرمن جمهوری اسلامی شعله ور شده است.

کشتار ده ها تن و زخمی شدن صدها تن دیگر از اعتراض کنندگان همراه با دستگیری تعداد بیشماری از توده های بپا خاسته و بر پای حکومت نظامی اعلام نشده در شهرهای بزرگ، جملگی بیانگر این واقعیت است که هیات حاکمه ایران با وسعت بخشیدن به کشتار و گسترش دستگیری های خیابانی، اینبار نیز تصمیم گرفته است تا خیزش انقلابی روزهای اخیر را به شدت سرکوب و سرنوشت آن را با سرنوشت خیزش انقلابی دی ماه ۹۶ هم کاسه کند. اگرچه، با توجه به عمق و وسعت مبارزات کنونی و با توجه به گستردگی آن بویژه در شهرهای بزرگ ایران، به نظر می آید ظرفیت و پتانسیل مبارزاتی کنونی بسیار فراتر از خیزش دیماه ۹۶ است، اما این وسعت و گستردگی هرگز به تنهایی کافی نیست. تجربه خیزش دیماه ۹۶ به خوبی نشان داده است که اینگونه خیزش های انقلابی هر چقدر هم گسترده باشند، هرچقدر هم به درازا بکشند، بدون همراهی و پشتیبانی اعتصابات وسیع کارگری، بدون همگامی اعتصابات سراسری معلمان و بدون اعتصابات همزمان دانشجویی با مشکلات اساسی مواجه بوده و هر بار زیر مهمیز سرکوب و کشتار وحشیانه جمهوری اسلامی تن به عقب نشینی خواهند داد. پس لازم است همراه با گسترش مبارزات خیابانی، با سازماندهی اعتصابات عمومی به یاری جوانان و توده های قیام کننده بشتابیم.

سازمان فدائیان (اقلیت) با اعلام انزجار شدید از "اشرار" خواندن جوانان و توده های بپا خاسته توسط خامنه ای، گسترش هر چه بیشتر مبارزات خیابانی را تنها پاسخ در خور به این عنصر فاسد و تبهکار می داند و فرمان خامنه ای جلاد در سرکوب و کشتار توده های معترض و جان به لب رسیده را قویا محکوم می کند.

سازمان فدائیان (اقلیت) سرکوب و کشتار ده ها تن از توده های معترض را قویا محکوم کرده و بر این باور است که با سازماندهی اعتصابات سیاسی عمومی می بایست تداوم خیزش انقلابی توده های بپا خاسته را تضمین کرد و با قیام مسلحانه توده ای نظم موجود را برچید.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی- بر قرار باد حکومت شورایی

زنده باد آزادی- زنده باد سوسیالیسم

نابود باد نظام سرمایه داری

سازمان فدائیان (اقلیت)

۲۶ آبان ۱۳۹۸

کار- نان - آزادی- حکومت شورایی

تظاهرات سراسری پاسخی قهرمانانه و کوبنده به باجگیری رژیم

یابد و برای دگرگونی آن به پا خاسته اند. سیاست های طبقه حاکم و همه جناح های آن در تمام عرصه ها به شکست انجامیده است. واقعیت این شکست ها برای توده های زحمتکش مردم، کاملاً عیان و آشکار شده است. بحران علاج ناپذیر اقتصادی پیوسته ژرفتر شده است. این بحران عواقب بسیار وخیمی برای کارگران و زحمتکشان به بار آورده است. متجاوز از ده میلیون بیکار، تورم افسارگسیخته، فقر بی سابقه، میلیون ها معتاد، تن فروشی، کودکان کار و ده ها معضل اجتماعی دیگر، بحران های اجتماعی را به اوج رسانده است. در عرصه سیاسی، استبداد مذهبی و دیکتاتوری عربیان طبقه حاکم، عموم مردم را به مقابله با رژیم سوق داده است. فساد همه جانبه درون طبقه حاکم و دستگاه دولتی، از نظر اخلاقی نیز رژیم را رسوا ساخته است. اقتدار سیاسی رژیم در میان توده های مردم درهم شکسته است. ماحصل این وضعیت، تشدید تضادها، روی آوردن توده ها به مبارزات علنی و مستقیم، تشدید مبارزه طبقاتی و عمومی، اعتصابات، تظاهرات، تجمع ها و شورش هایی است که در طول دو سال گذشته شاهد آن بوده ایم. در این فاصله، همراه با اعتلای مبارزات و آگاهی روزافزون مردم، بحران سیاسی عمیق تر شده و تمام شرایط برای مبارزه ای سرتاسری فراهم شده است. بنا به دلایل فوق، چنانچه تظاهرات کنونی بتواند همچنان ادامه یابد، چشم انداز رشد و ارتقای آن به تظاهرات میلیونی و شکل گیری یک اعتصاب عمومی سیاسی سرتاسری، همراه با تشکیل کمیته ها و شوراهای در محلات و کارخانه ها وجود دارد. اما به فرض، اگر این جنبش در لحظه کنونی هم نتواند از این مرحله فراتر رود، تا همین جا، یک پیروزی بزرگ برای مردمی است که در مقابل زورگویی و باج خواهی یک رژیم ستمگر، دزد و جیب بر، قد برافراشتند، قهرمانانه جنگیدند و راه را بر مبارزات عالی تر آتی هموارتر کردند.



بازداشت یکی از عوامل کشتار سال ۶۷ در سوئد

طولانی بر سر حقیقت و برای برقراری عدالت به دست خانواده‌های قربانیان و بازماندگان.

ابعاد جنایت و کشتار جمهوری اسلامی در دهه ۶۰، از جمله کشتار سال ۶۷ چنان وسیع و گسترده است که تنها با دستگیری و محاکمه تمام آمرین و عاملین می‌توان تمام جوانب آن را بر ملا کرد. با این همه، این بازداشت و محاکمه می‌تواند زوایایی از آن جنایت را بر ملا کند.

اکنون باید دید که ادامه این بازداشت به کجا خواهد رسید و دستگاه قضائی سوئد چگونه برخورد خواهد کرد. واقعیت این است که کارنامه دولت‌های اروپائی در برخورد با جنایتکاران جمهوری اسلامی منفی است و نباید به اقدامات آنها خوشبین بود. آنها همواره در چهارچوب مناسبات اقتصادی و سیاسی خود، وارد بندوبست با جمهوری اسلامی شده‌اند. چنانچه می‌دانیم، در جریان قتل دکتر قاسملو، دولت اتریش در فرار قاتلان، جمهوری اسلامی را یاری رساند. قاتل بختیار در نتیجه معامله و زدودن دولت فرانسه با جمهوری اسلامی آزاد شد. در جریان کشتار رستوران میکونوس، گرچه دادگاهی هم برای برخی از قاتلان تشکیل و برخی محکوم شدند، اما باز هم در چهارچوب همان بندوبست‌ها و معاملات دولت‌های اروپائی با جمهوری اسلامی، آزاد شدند. حال باید دید که آیا دولت سوئد با توجه به مناسبات حسنه‌ای که با جمهوری اسلامی دارد، حاضر به محاکمه این جنایتکار خواهد شد؟ اگر در نتیجه فشار افکار عمومی، این جنایتکار به محاکمه کشیده شود و حتی گوشه‌هایی از این جنایت تا جایی که به زندان گوهردشت مربوط می‌شود، بر ملا گردد، خودش یک پیروزی برای مردم ایران و خانواده‌های جان باختگان کشتار سال ۶۷ است. اما پیروزی واقعی روزی خواهد بود که مردم ایران جمهوری اسلامی را سرنگون کنند و تمام آمرین و عاملین این کشتار را در دادگاه‌هایی که قضات آن منتخب خود مردم ایران خواهند بود، به محاکمه بکشند.

که به اتهام جنایت علیه بشریت و شرکت در کشتار تابستان ۶۷ در خارج از ایران دستگیر و محاکمه می‌شود.

حمید نوری در حالی هویت واقعی خود را انکار می‌کند که مهدی اصلانی یکی دیگر از زندانیان آن سال، در مورد نقش فعال نامبرده در کشتار سال ۶۷ می‌نویسد: "در تاریخ ششم شهریور ۱۳۶۷ در زندان گوهردشت که دومین روز چپ کشی در زندان گوهردشت بود، آقای حمید عباسی بانام شناسنامه‌ای نوری، در اتاق ما را باز کرد و گفت ۱۰ نفر اول به نزد هیئت و نه حتی دادگاه. چون دادگاه به زندانی حکم‌دار گارد می‌داد که چرا باید دوباره به دادگاه ببرند. نام هیئت را برای بار اول من آنجا شنیدم. من و بقیه دوستانم تصویری نداشتیم که این چگونه هیئت است. ۱۰ نفر را خود حمید عباسی جدا کرد. یکی از آن ۱۰ نفر من بودم. یعنی لیست هم وجود نداشت، فقط گفت تو، تو، تو و ما را به اتاق هیئت مرگ برد".

به گفته مهدی اصلانی، "وقتی هم زنده ماندگان را از زندان گوهردشت به اوین آوردند، باز هم او آمد و از شماری از زندانی‌ها مجدداً بازجویی کرد، از جمله من". بازداشت این جنایتکار، انعکاس وسیعی در رسانه‌های مختلف فارسی زبان داشته و با استقبال به ویژه زندانیان جان به در برده و خانواده‌های جانباختگان، رو به رو بوده است. این بازداشت مورد تأیید سازمان حقوق بشری بین‌المللی نیز قرار گرفته است. از جمله، گزارشگر ویژه اعدام‌های فراقانونی در سازمان ملل متحد گفت: "این اولین گام مهم به سوی عدالت درباره اعدام‌های سال ۱۳۶۷ است؛ اولین باری که در رابطه با وقایعی که در سال ۱۳۶۷ در ایران اتفاق افتاد و هزاران زندانی در آن کشته شدند، یک نفر متهم می‌شود".

دبیرکل سازمان عفو بین‌الملل هم در واکنش به این بازداشت گفت: "بازداشت یک مرد ایرانی در سوئد به ظن جرائم علیه بشریت یک تحول تاریخی علیه مصونیت از مجازات در خصوص کشتار زندانیان در سال ۱۳۶۷ در ایران است. این بازداشت همچنین تصدیق است به یک کارزار

خلاصه اطلاعیه

کمیته خارج کشور سازمان فدائیان (اقلیت)

در تاریخ ۱۵ نوامبر ۲۰۱۹ کمیته خارج کشور سازمان اطلاعیه ای با عنوان "دستگیری حمید نوری، هشدار به دیگر جنایتکاران: دیگر جای امنی وجود ندارد" صادر نمود. در این اطلاعیه ضمن اعلام خبر بازداشت حمید نوری، دادیار سابق جمهوری اسلامی و از عاملان قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ به اتهام "نقض قوانین بین‌المللی از طریق جنایت علیه بشریت و قتل"، گفته شده "این اولین باری است که یکی از قاتلان هزاران زندانی سیاسی به این اتهام دستگیر می‌شود. هم‌اکنون تنها انتشار این خبر، بار دیگر، قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ را در سطح وسیعی در افکار عمومی جهان مطرح کرده است". در ادامه اطلاعیه، ضمن اشاره به مشارکت مستقیم تمامی سران و دست‌اندرکاران رژیم در کشتار ۶۷ و سکوت بخشی از پایه‌گذاران و اعضای برجسته رژیم که از دایره مرکزی قدرت رانده شده‌اند، به نقش تعدادی از این تبهکاران که هنوز در درده بالای حکومتی در مسند قدرت هستند می‌پردازد و چنین می‌نویسد "ابراهیم رئیسی، رئیس قوه قضائیه. رئیسی نه تنها در تابستان ۶۷ از اعضای گروه چهار نفره موسوم به "هیئت مرگ" بود، بلکه هنوز دست در دست اوباشی چون محمد مقیسه به جنایت‌های خود ادامه می‌دهد. محمد مقیسه، معروف به نصریان، دادیار زندان گوهردشت در سال ۶۷ و مانند حمید نوری از عاملان اصلی قتل عام تابستان ۶۷ است" اطلاعیه در ادامه می‌نویسد "دستگیری یکی از جنایتکاران رژیم در سوئد حادثه‌ای ناگهانی نیست، بلکه ادامه روندیست که از سوی خانواده‌های زندانیان سیاسی جان‌باخته، زندانیان سیاسی جان به در برده از شکنجه‌گاه‌های رژیم و نیروهای چپ و کمونیست و آزادی‌خواه آغاز شد. آنان هستند که با گذشت ۳۱ سال، اجازه نداده‌اند خاک فراموشی بر این فاجعه بزرگ بنشیند و برای دانشجویی از هیچ تلاشی دریغ نکرده‌اند". در پایان اطلاعیه چنین آمده است "برای محاکمه تمامی قاتلان و شکنجه‌گران و سرکوبگران، راهی جز سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی وجود ندارد. تنها با سرنگونی این رژیم و نظم طبقاتی موجود، تنها با برقراری حکومت شورایی بر خاسته از مردم است که تکرار چنین جنایت‌هایی در آینده ناممکن خواهد گشت".

**رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی
و قیام مسلحانه برانداخت**

بازداشت یکی از عوامل کشتار سال ۶۷ در سوئد

برای ارتباط با **سازمان فدائیان (اقلیت)** نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سوئیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان
(اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

https://t.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

[kar.fadaianaghaliyat](https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat)

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization

Of Fadaian (Aghaliyat)
No 847 November 2019

مدت ۴ هفته تمدید کرد تا شاکی پرونده برای فراهم کردن اسناد و مدارک بیشتر در اثبات اتهام، شواهد و مدارک خود را ارائه دهد. آنچه از سوابق وی آشکار است، او نخست عضو سپاه پاسداران در زندان اوین بود که در نتیجه اقدامات جنایتکارانه‌اش علیه زندانیان و بازداشت‌شدگان سیاسی، به مقام دادیاری تحت نظر رئیسی، ارتقاء موقعیت یافت و مدتی بعد به عضویت وزارت اطلاعات درآمد. ظاهراً شغل علنی یا پوششی کنونی وی وکالت بوده است. حمید نوری، نخستین مقام جمهوری اسلامی است

در صفحه ۱۱

یکی از عوامل و مجریان کشتار زندانیان سیاسی سال ۶۷ در زندان گوهردشت (رجانی شهر) کرج به نام حمید نوری که در جریان کشتار تابستان ۶۷ با نام مستعار حمید عباسی نقش دادیار را بر عهده داشت، روز ۱۸ آبان ماه در فرودگاه آرلاندای سوئد بازداشت شد. دستگیری وی از طریق شناسایی و پیگیری ایرج مصداقی یکی از زندانیان سابق صورت گرفت. حمید نوری، در نخستین جلسه دادگاه انکار کرد در زندان حضور داشته و مدعی شد که وی اشتباهاً به جای فرد دیگری دستگیر شده است. دادگاه روز ۲۲ آبان ماه، حکم بازداشت وی را به



shora.tv@gmail.com

تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی از اول فوریه ۲۰۱۹ برابر با ۱۲ بهمن ماه ۱۳۹۷ بر روی شبکه تلویزیونی Komala TV / Shora TV پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره‌های شبکه تلویزیونی "کومله تی‌وی / شورا تی‌وی" بدین قرار است:

ماهواره یاه ست (yahsat) فرکانس: ۱۱۹۵۷ سیمبل ریت ۲۷۴۸۰
پولاریزاسیون عمودی

ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی:
دوشنبه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

سه‌شنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

چهارشنبه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

پنجشنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

جمعه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

شنبه: از ساعت ۹ تا ۱۰ شب

شنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

یکشنبه: بازپخش ساعات ۳ تا ۴ بامداد، ساعت ۹ تا ۱۰ صبح و ساعت ۳ تا ۴ بعدازظهر

آدرس ایمیل: Shora.tv@gmail.com، شماره تلفن:

۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی